



میزان مطالعه و سطوح رضایت و بهره‌مندی
دانشگاہیان از مجله‌های علمی کشور*

دکتر منوچهر محسنی

در بررسی ابعاد مختلف مجله علمی به عنوان یک رسانه، اطلاع داشتن از میزان مطالعه و در نهایت رضایت و بهره‌مندی از آن دارای اهمیت خاص است و بدیهی است که تمامی فرآیند تولید مجله و اقدامات متعددی که در این قلمرو گسترده صورت می‌گیرد، مبتنی بر این هدف است که مجله مورد مطالعه خوانندگان - که می‌توانند گستردگی متفاوتی در رابطه با نوع و ماهیت آن داشته باشند - قرار گیرد. بنابراین مهم این است که بدانیم مجله‌های ما از نظر میزان مطالعه، رضایت و بهره‌مندی در چه سطحی قرار دارند. در این رابطه غیر از ویژگی‌های عمومی افراد و شرایط جامعه از نظر ساختار و پیش‌های فرهنگی، عواملی هم مطرح هستند که در ارتباط با مطالعه ایفای نقش می‌کنند و از آن جمله است در اختیار بودن مجله‌ها و انجام اقدامات گوناگون در این مسیر از قبیل استفاده از کتابخانه، خرید تک‌شماره، اشتراک، دریافت به شکل هدیه و یا مراجعه به کتابخانه.

در جهان معاصر به دلایل متعدد، مجله‌های علمی در انتقال اطلاعات جاری علمی و فنی نقش مهمی دارند و به اعتقاد پژوهشگران در کنار سایر وسایل ارتباطی در زمینه علم و تکنولوژی، دارای جایگاهی خاص و گاه منحصر به فرد هستند. این مجله‌ها که در گروه مطبوعات ادواری قرار می‌گیرند، رسانه انتقال اطلاعات، مطالعات و پژوهش‌های علمی و فنی هستند (علوم انسانی، علوم پایه، علوم پزشکی و بهداشت، فنی و مهندسی، کشاورزی و منابع طبیعی، هنر و معماری و...) و چاپ و نشر منظم و بهنگام و دسترسی ساده و سریع استفاده‌کنندگان به آنها پس از انتشار، دریافت اطلاعات را در مدت زمانی کوتاه پس از شکل‌گیری امکان‌پذیر می‌کند.

مجله‌های علمی علاوه بر نقشی که در استفاده‌های علمی دارند نمایانگر دستاوردهای جامعه علمی در گسترده‌ترین ابعاد خود از نظر جهانی و بالاخره ملی و منطقه‌ای نیز هستند و در کنار ابعاد بین‌المللی علم، از آنجا که معمولاً مجله به یک زبان و کشور خاص متعلق است نموداری از حیات علمی آن

جامعه نیز به شمار می‌رود و به تعبیری نمایش‌دهنده ضربان قلب حیات علمی جامعه است. اما از آنجا که این رابطه دو سویه است - یعنی اثرات جامعه در مجله علمی و مجله علمی در جامعه منعکس است - کار پیچیده‌تر می‌شود و نسخه‌نویسی بسیار دشوار. برای توسعه پایدار علمی سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، ضرورت دارد و این سرمایه باید از منابعی تأمین شود که با محدودیت همراه است و در اینجا است که بازگشت سرمایه، آن‌هم بازگشت فوری مطرح می‌شود، واقعیتی که با ماهیت توسعه علمی همخوانی چندانی ندارد. در شبکه روابط پیچیده موجود در این حوزه مسائل و مشکلات فراوانی مطرح می‌شود. مسائلی که برخی از آنها هدف مطالعه ما بوده است و سعی کرده‌ایم که در راه شناخت آنها گام برداریم و امیدواریم که در این مسیر به توفیقی هرچند اندک دست یابیم و راه را برای بررسی‌های بعدی هموارتر سازیم. این مطالعه در حقیقت با این هدف انجام شده است که حداقل اطلاعات پژوهشی ممکن را درباره یکی از مهم‌ترین رسانه‌های علمی که علی‌رغم اهمیتی که دارد ناشناخته است، فراهم آورد و از این طریق زمینه‌های علمی لازم را برای عملکرد اجتماعی در این حوزه آماده کند. موضوع مجله‌های علمی علاوه بر آن‌که با فعالیت‌های بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، انجمن‌های علمی، نهادها، گروه‌های تخصصی و حرفه‌ای و نیز شرکت‌ها و مؤسسات صنعتی و تجاری و بالاخره همه افراد ارتباط دارد، با سه وزارتخانه نیز به‌طور مستقیم در سطح برنامه‌ریزی، تعیین خط مشی، برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی مرتبط است (وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم و تحقیقات و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی). افزون بر این، علاوه بر بعدساختاری و سازمانی، مجله‌های علمی از سوی دیگر با فعالیت‌های علمی و پژوهشی گروه وسیعی از پژوهشگران، نویسندگان، مترجمان و نیز روزنامه‌نگاران و صاحبان مشاغل گوناگون مطبوعاتی در رابطه مستقیم است. طرف مقابل این مجموعه که ما به عنوان تولیدکنندگان و برنامه‌ریزان بیشتر

به آن‌ها نگاه می‌کنیم، خوانندگان قرار دارند، افرادی از قشرهای گوناگون اجتماع و با سطوح بسیار متفاوت سواد و آگاهی علمی که سرانجام باید مخاطب این مجله‌ها قرار گیرند و به تعبیر اقتصادی «مصرف‌کننده» باشند. در واقع موضوع مجله‌های علمی در ایران تاکنون به‌طور مستقل مورد بررسی گسترده قرار نگرفته است و مطالبی که در این زمینه به زبان فارسی موجود است، محدود به یک رساله دانشگاهی و چند مقاله در مجله‌ها است، اما مطالعه مجله به‌طور عام و گاه مطالعه مجله‌های علمی در این میان در پاره‌ای از بررسی‌های مورد اشاره قرار گرفته است.

علی‌رغم این واقعیت که مجله علمی ابتدایی‌ترین ابزار فعالیت در مشاغل علمی است، اما این موضوع حتی در محدوده‌ای که می‌توان انتظار داشت نیز مورد توجه قرار نگرفته است. فهرستگان ارتباطات که تا سال ۱۳۷۲ در دو مجلد انتشار یافته است و تمام دوره تاریخی مطبوعات ایران را در برمی‌گیرد حکایت از آن دارد که تحت‌عناین مرتبط با مسائل مجله‌های علمی، فقط چهار مقاله در مطبوعات کشور به چاپ رسیده است.

این بررسی در حقیقت حاصل کار افرادی است که در سطوح مختلف صمیمانه مجری طرح را یاری کردند و بجااست که از آنان تشکر و قدردانی کنیم.

۱. طرح مسأله و هدف بررسی

از آنجا که بحث‌های نظری در زمینه مجله‌های علمی عملاً در حوزه علوم ارتباطی مطرح می‌شود، کلیت آن به گونه‌های خاصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، که البته این مقال مجال یادآوری آنها نیست. یکی از مشهورترین این نظریات و در عین حال قدیمی‌ترین آنها نظریه «پاداش آتی و آتی» ویلیبر شرام W. Schramm است، که با بحث مجله‌های علمی نیز پیوند دارد. «شرام» معتقد است که تمایل به انتخاب پیام‌های ارتباطی تابعی از پاداش‌های مورد انتظار آتی و آتی از یکسو و انرژی ضروری برای

مطالعه و دستیابی (صرف وقت، کوشش و...) به این منابع از سوی دیگر است. او پاداش آتی را شامل اطلاع از مطالب و اخبار جاری، و پاداش آتی را شامل درک مطالب عمیق و پیچیده علمی، اجتماعی و ادبی می‌داند، مطالبی که درک کامل آنها به داشتن اطلاعات و زمینه‌های ذهنی قبلی بستگی دارد. در حالی که مطالب از نوع اول سبب تحریک و به هیجان آمدن مخاطب می‌شوند، مطالب از نوع دوم تفکر، اندیشه و تکاپوی ذهنی برای مخاطب ایجاد می‌کند. از سوی دیگر بلومر و کتز Blumer, Kats معتقدند که کاربرد وسایل ارتباط جمعی مبتنی بر هدف خاص است، مخاطبین دست به انتخاب پیام‌هایی می‌زنند که نیاز آنان را تأمین می‌کند، وسایل ارتباط جمعی فقط یکی از منابع تأمین نیاز هستند و مخاطبین از نیازهای خود آگاهند.

در حوزه مطالعات نظری ارتباطات، باید به این واقعیت نیز توجه داشت که نگرش‌های طرفداران بحث‌های «بازاریابی اجتماعی» نیز می‌تواند در تجزیه و تحلیل وضع و شرایط مجله‌های علمی سودمند باشد، چرا که این دیدگاه با طرح سؤال پیرامون چهار عامل محصول، قیمت، مکان و بخش، مطالعات خود را آغاز می‌کند، بازاریابی اجتماعی حوزه کار را به فعالیت‌هایی می‌کشد که در آنها، البته در مقایسه با بازاریابی تجاری سودآوری کمتر است و راه فعالیت با ناهمواری‌های بیشتری مواجه است.

توجه خاص به موضوع جهانی شدن ارتباطات در دهه اخیر و پی‌گیری بحث‌ها در این زمینه بی‌تردید نوع نگاه به مجله‌های علمی را در آینده متحول خواهد کرد. با گسترش وسایل ارتباطی الکترونیک، اندیشه‌ها، تصاویر و صدای فرهنگ‌های مختلف به‌طور بالقوه در دسترس شبکه گسترده‌ای از افراد خواهد بود که پیام برای آنها ارسال نشده است. جهانی شدن، تنها نوآوری‌های

تکنولوژیک را شامل نمی‌شود (آنچه که برقراری ارتباط در فواصل دور را ساده کرده است). شاید مهم‌ترین جنبه آن مبادلات میان فرهنگی در بخش‌های مختلف کره زمین است. جهانی شدن وسایل ارتباط جمعی بیش از هر چیز با «محتوا» ارتباط پیدا می‌کند، یعنی محصولات فرهنگی قابل دسترس در مقیاس جهانی.

هرگاه موضوع تولید، توزیع، نشر و مطالعه مجله‌های علمی را از جنبه صنعتی و در رابطه با خط تولید مورد توجه قرار دهیم، موضوع به شکل دیگری مطرح خواهد شد. در ابتدای خط تولید، پژوهش، تفکر نظری و یا هر دو قرار می‌گیرد و این اقدام به تولید اطلاعات علمی می‌انجامد، تولیدی که سرانجام به شکل مقاله و برای چاپ در مجله تدوین می‌شود. در محور دیگر، تولید مجله علمی صورت می‌گیرد، مجله‌ای که پذیرای مقاله متناسب است. مقاله پس از طی مراحل اولیه (انتخاب، ویرایش) چاپ و منتشر شده و به دست خوانندگان می‌رسد (توده مردم، دانش‌آموزان، دانشجویان، کارشناسان، اعضای هیأت علمی) به این اعتبار، در صورتی که مجله علمی را در چارچوب نظریه سیستمی مورد توجه قرار دهیم در آن چند سیستم فرعی تولیدکنندگان، مجله، توزیع و عرضه و مصرف‌کنندگان کالا را مشاهده می‌کنیم که هرکدام به اجزاء متعددی قابل تقسیم هستند و در یک مطالعه جامع باید تا حد امکان همه آنها را در نظر داشت.

در هرکدام از این دیدگاه‌ها، اجزاء بررسی، اهمیت‌های متفاوتی پیدا می‌کنند. مثلاً در حالی که در نگرش صنعتی بر تولید اطلاعات و ماهیت معنوی - مادی مجله تأکید می‌شود در دیدگاه سیستمی عوامل درونی و بیرونی در رابطه تعاملی با هم مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مورد، با عنایت به ابعاد عملیاتی، موضوع بررسی را در چند حوزه

اطلاعاتی مجله، مدیریت مجله و خواننده و نویسنده مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

در ایران مجله‌های علمی براساس طبقه‌بندی وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری، به انواع علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی تقسیم می‌شوند و تعداد آنها نیز در طول نیم قرن اخیر همواره دستخوش نوسان و در عین حال افزایش نسبی بوده است. به‌طور کلی و صرف‌نظر از موارد خاص (تعدادی از مجله‌های علمی و عمومی) این مجله‌ها تنوع موضوعی فراوانی دارند، معمولاً در اغلب موارد برای تأمین بودجه با مشکل مواجه هستند، خوانندگان آنها از نظر تعداد محدود هستند، فعالیت قابل توجهی از نظر تبلیغاتی ندارند، هزینه‌های چاپ و نشر آنها سنگین و اغلب غیرقابل بازگشت است، معمولاً با کمک مالی دستگاه‌های دولتی انتشار می‌یابند، در خیلی از موارد دارای سازمان کافی و مدیریت مستقلی نیستند و انتشار آنها به فعالیت دستگاه و یا حتی مدیر معینی وابسته است، نسبت کمی از آنها در معرض فروش عمومی قرار دارند و فقط برای مشترکین ارسال می‌شوند، انتشار آنها در خیلی از موارد فاقد نظم ادواری است و... در کشور ما دولت در انتشار این نشریات دارای نقش عمده است (که معمولاً تأثیر و نظارت دولت از طریق دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات دولتی اعمال می‌شود) و صرف‌نظر از تأمین بودجه مبلغ قابل توجهی نیز عملاً (با تقلیل گاه فاحش قیمت فروش مجله‌ها در رابطه با قیمت تمام شده) به خوانندگان یارانه می‌پردازد. مجله‌های علمی کشور ما از نظر تولید، نشر، توزیع، دسترسی، مطالعه و بهره‌رسانی علمی با مشکلات متعددی مواجه هستند که باید مورد بررسی قرار گیرد تا بتواند مبنایی برای برطرف شدن مشکلات قرار گیرد و اطلاعات ضروری در برنامه‌ریزی فراهم آید.

با توجه به این که هدف کلی مطالعه ما

شناخت میزان مطالعه و سطوح رضایت و بهره‌مندی جامعه دانشگاهی ساکن در تهران از مجله‌های کشور بوده است، پرسش‌هایی را که در این زمینه به عنوان اهداف اختصاصی مورد بررسی قرار دادیم عبارت بودند از:

۱. میزان کلی مطالعه مجله‌های علمی کشور توسط گروه مورد بررسی چقدر است؟
۲. چه تفاوتی میان میزان مطالعه پاسخگویان در رابطه با جنسیت آنان وجود دارد؟
۳. چه تفاوتی میان میزان مطالعه پاسخگویانی که در گروه‌های سنی مختلف قرار دارند وجود دارد؟
۴. چه تفاوتی میان میزان مطالعه پاسخگویانی که در موقعیت‌های مختلف دانشگاهی قرار دارند وجود دارد؟
۵. چه تفاوتی میان میزان مطالعه پاسخگویانی که در گروه‌های مختلف آموزشی قرار دارند وجود دارد؟
۶. سطح کلی رضایت گروه مورد بررسی از مجله‌های علمی کشور چقدر است؟
۷. چه تفاوتی میان سطح رضایت پاسخگویان در رابطه با جنسیت آنان وجود دارد؟
۸. چه تفاوتی میان سطح رضایت سنی قرار دارند وجود دارد؟
۹. چه تفاوتی میان سطح رضایت پاسخگویانی که در موقعیت‌های مختلف دانشگاهی قرار دارند وجود دارد؟
۱۰. چه تفاوتی میان سطح رضایت پاسخگویانی که در گروه‌های مختلف آموزشی قرار دارند وجود دارد؟
۱۱. سطح کلی بهره‌مندی گروه مورد بررسی از مجله‌های علمی کشور چقدر است؟
۱۲. چه تفاوتی میان سطح بهره‌مندی پاسخگویان در رابطه با جنسیت آنان وجود دارد؟

تلاش ما این خواهد بود که ابتدا نکات فوق را براساس پرسش‌های خاصی که با خوانندگان مطرح کردیم مورد بررسی قرار دهیم و سپس با ترکیب برخی از این متغیرها و تنظیم آنها، متغیرهای جدیدی بسازیم که بتوانیم به تصویرگری از کلیت پدیده مورد مطالعه دست یابیم. به گونه‌ای که خواهیم دید افق بررسی ما در این پژوهش، مطالعه، رضایت و بهره‌مندی از مجله‌های علمی در سطح افراد است که در رابطه با ویژگی‌های فردی و موقعیتی پاسخگویان (خوانندگان بالقوه) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

می‌دهد که تا چه حد (براساس طیف بالا) پاسخگو احساس می‌کند خواندن این مجله‌ها برای وی سودمند بوده است. اما موقعیت کمی مجله‌های علمی در حقیقت شاخصی است که ترکیب شده از سه جزء مذکور است (مطالعه، رضایت، بهره‌مندی) و در حقیقت تصویری کلی از تمامی این ابعاد ارائه می‌دهد.

۲. روش مطالعه و نحوه جمع‌آوری اطلاعات
در این بررسی با محور قرار دادن پژوهش میدانی از روش توصیفی -

- در جهان معاصر به دلایل متعدد، مجله‌های علمی در انتقال اطلاعات جاری علمی و فنی نقش مهمی دارند و به اعتقاد پژوهشگران در کنار سایر وسایل ارتباطی در زمینه علم و تکنولوژی، دارای جایگاهی خاص و گاه منحصر به فرد هستند.
- مجله‌های علمی علاوه بر نقشی که در استفاده‌های علمی دارند نمایانگر دستاوردهای جامعه علمی در گسترده‌ترین ابعاد خود از نظر جهانی و بالاخره ملی و منطقه‌ای نیز هستند.



در این بررسی حداقل سه مفهوم به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است که عبارتند از: مطالعه، رضایت، بهره‌مندی که ارائه توضیح مختصری درباره آنها ضروری به نظر می‌رسد. میزان مطالعه براساس اظهار پاسخگویان در مورد زمان مصروفه برای مطالعه مجله‌های تخصصی در چهار سطح هیچ، کم، تاحدودی و زیاد بوده است و میزان رضایت در حقیقت بیان‌کننده داوری پاسخگو از سطح رضایت او از مطالعه مجله‌ها است (هیچ، کم، تاحدودی، زیاد). بر همین اساس میزان بهره‌مندی نیز نشان

مقطعی به عنوان روش اصلی این مطالعه استفاده شد.
در چارچوب اهداف اختصاصی و با هدف کسب اطلاعات با حداکثر دقت ممکن از دو روش عمده در جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده که عبارتند از: پرسشنامه و مصاحبه.
الف: در این بررسی سه پرسشنامه به‌طور مشخص مورد استفاده قرار گرفته که عبارتند از: پرسشنامه مشخصات عمومی مجله‌ها، پرسشنامه سازمان و اداره مجله‌ها، پرسشنامه رفتارها و نگرش‌های خوانندگان و نویسندگان.

می‌دانیم که مجله علمی، گونه خاصی از مجله است. نشریه کتابخانه ملی ایران (اصطلاحنامه کتابداری) مجله Magazine را این‌گونه تعریف می‌کند؛ تعریفی که به‌طور نسبی جامع است: «نشریه‌ای با عنوان مشخص که به صورت شماره‌ها یا جزوه‌هایی پیاپی با فاصله زمانی منظم برای مدت نامحدود منتشر می‌شود و حاوی مقالاتی دربارهٔ موضوع‌های مختلف از نویسندگان مختلف است. مجله ممکن است برای عامه مردم تهیه شود و یا اختصاص به موضوع خاص یا گروه معینی داشته باشد. فاصله زمانی شماره‌های یک مجله معمولاً بیش از سالی یک شماره است.»

دارای سطح بالای علمی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های مجله علمی نشر ادواری آن است. براساس دائرةالمعارف فرانسوی Quillet مجله علمی La revue در تاریخ‌های ثابت منتشر می‌شود و معمولاً حالت تخصصی دارد. این مجله‌ها یا دارای اهداف تخصصی بوده (مجله‌هایی که فقط خاص مشترکین است)، یا دارای اهداف عامه فهم کردن معلومات تخصصی هستند و یا هدف آنها اطلاع‌رسانی است. دائرةالمعارف مذکور تصریح می‌کند که مجله‌های ادبی، شاعرانه و حتی علمی همچنین تریبون جنبش‌ها و افکارنویین هستند و می‌کوشند خوانندگان را با

این تعریف بنا براین در ابتدا تمامی نشریاتی را که به انتشار اطلاعات خام (هرچند مفید در علوم مختلف، اما فاقد مطالعات سیستماتیک مبتنی بر روش‌های علمی) می‌پردازند، از فهرست حذف می‌کند. براساس این تعریف عملاً تمامی روزنامه‌ها، مجله‌ها، هفته‌نامه‌ها و نشریات مشابه معمولی از این فهرست حذف می‌شوند، حتی اگر این نشریات دارای مقالاتی باشند که توسط متخصصین علوم مختلف نوشته شده باشند. در فهرست نشریات علمی معمولاً مجله‌هایی قرار می‌گیرد که مقاله‌های آنها اکثراً دارای نام نویسنده است و این رویه‌ای است که در مجله‌های علمی متداول است، چرا که موضوع با امر مالکیت علمی در رابطه قرار می‌گیرد. یونسکو توصیه می‌کند مجله‌هایی که محتوای آنها چاپ مطالب علمی ترجمه شده از زبان‌های دیگر و یا چاپ مجدد آن مطالب است نیز در این فهرست قرار گیرند، همانند مجله‌هایی که هدف آنها بیشتر تبلیغ یا اشاعه و آشکارسازی عقاید یا ایدئولوژی‌های گوناگون است تا توسعهٔ شناخت علمی. نشریاتی را که جنبهٔ تخصصی دست دوم دارند یعنی نشریات ادواری اطلاع‌رسانی و یا کتاب‌شناسی که حاوی نمایه‌های علمی هستند و یا گزارش‌های تحلیلی و نقدها را تهیه می‌کنند، به این فهرست باید افزود. با توجه به ویژگی‌هایی که برای یک مجله علمی برشمردیم، می‌توان نتیجه گرفت که این نشریات ادواری خوانندگانی خاص و محدود دارند (حتی در مورد مجله‌های علمی خاص توده مردم که عمومی به حساب می‌آیند) و همان‌طور که «علم» از «غیرعلم» براساس روش شناخته می‌شود و نه براساس موضوع، مجله علمی هم از غیرعلمی (عمومی) برهمان اساس (روش علمی) شناخته می‌شود. در مجله علمی مقالات براساس الگوهای مقاله‌نویسی علمی نوشته

■ موضوع مجله‌های علمی در ایران تاکنون به‌طور مستقل مورد بررسی گسترده قرار نگرفته است.

■ علی‌رغم این واقعیت که مجله علمی ابتدایی‌ترین ابزار فعالیت در مشاغل علمی است، اما این موضوع حتی در محدوده‌ای که می‌توان انتظار داشت نیز مورد توجه قرار نگرفته است.

این‌گونه آثار آشنا کنند. براساس تعریف «فرهنگ ارتباطات» مجله علمی، مجله‌ای است که معمولاً کم تصویر است و حاوی مقالات تحلیلی و گردآوری و معرفی و گزارش آثار علمی و ادبی برخوردار از سطح علمی نسبتاً بالاست و موضوع این مجله‌ها ممکن است در حوزه‌های ادبی، علمی و یا تاریخی باشد. کارشناسان کتابشناسی یونسکو که به تعریف آنها از نشریات ادواری اشاره کردیم، معتقدند نشریاتی علمی تلقی می‌شوند که به نشر منظم نتایج مطالعات، تحقیقات و مقالات دانشگاهیان و یا متخصصان رشته‌های مرتبط می‌پردازند. مجله‌های علمی در گروه مطبوعات ادواری قرار می‌گیرند و مطبوعات ادواری به انواع گوناگون دیگری مانند مجله‌های اطلاعاتی، اقتصادی و مالی، ورزشی، زنان، جوانان، نوجوانان، تفریحات، حرفه‌ای، فنی، ادبیات، سینما و بالاخره انواع هنرها تقسیم می‌شوند. مجله علمی رسانه‌ها انتقال اطلاعات، مطالعات و پژوهش‌های علوم است. پیر آلبر پژوهشگر مسائل مطبوعاتی معتقد است که مجله علمی Revue به مفهوم اعم نشریه‌ای ماهانه یا سه‌ماهه است که معمولاً در قطع کتاب بوده و عکس و تصویر در آن نقش فرعی دارد، دارای مقالات تئوریک، معرفی و نقد کتاب و

می‌شوند، که عبارتند از: مستند بودن، برخورد علمی با امور و پدیده‌ها و تجزیه و تحلیل سیستماتیک پدیده‌ها.

۳. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

با توجه به این که در این بررسی دو جامعه آماری متفاوت وجود داشت، یعنی مجله‌های علمی از یک طرف و خوانندگان مجله‌ها از سوی دیگر، تصمیم گرفته شد در مورد مجله‌ها از روش سرشماری استفاده شود و همه این نوع مجله‌ها که از سال ۱۳۷۵ به بعد (تا اسفندماه ۱۳۷۷) حداقل یکشماره از آنها در داخل کشور منتشر شده است، در جامعه آماری مورد بررسی قرار گیرند. براین اساس تعداد ۴۲۷ مجله مورد بررسی قرار گرفتند. در مورد خوانندگان از آنجا که مجله‌های علمی در جامعه دانشگاهی دارای کاربرد خاص هستند و از نظر توسعه کیفی آموزش عالی مورد تأکید قرار دارند، تصمیم گرفته شد که اعضای هیأت علمی و دانشجویان به عنوان یک جامعه آماری خاص مورد مطالعه قرار گیرند، هرچند که سایر گروه‌ها نیز از این مجله‌ها استفاده می‌کنند. باید یادآور شویم که خواندن مطالب علمی از طریق روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و مجله‌های عمومی نیز در سطح جامعه مطرح است که موضوعی مستقل بوده و باید به شیوه خاص خود مورد بررسی جداگانه قرار گیرد.

برای بزآورد حجم نمونه از میان خوانندگان جامعه دانشگاهی خطای نمونه‌گیری ۱٪ (d)، سطح اطمینان ۹۵٪ ($Z=1/96$) و حداقل درصد پاسخ به چند سؤال اصلی ۵٪ (p) محاسبه شد. ملاک محاسبه مقدار P نتایج آزمون اولیه پرسشنامه خوانندگان (پرسشنامه شماره ۳) در میان ۸۰ نفر دانشجویان و اعضای هیأت علمی قرار گرفت. براین اساس تلاش ما مبتنی براین بود که بتوانیم از اطلاعات خاص این بررسی در تعیین

حجم نمونه مورد نیاز استفاده کنیم. با قراردادن مقادیر مذکور در فرمول حجم نمونه به تعداد ۱۸۲۴ نفر دست یافتیم که با توجه به نوع روش نمونه‌گیری از میان خوانندگان (اعم از دانشجویان و اعضای هیأت علمی) انتخاب شدند و سرانجام تعداد آنان به ۱۹۶۲ نفر افزایش یافت.

علی‌رغم عدم تطابق تعداد رشته‌ها با تعداد مجله‌ها و خوانندگان، نسبت واقعی جمعیت نمونه (گروهی که سرانجام با توجه به روش نمونه‌گیری به آنها مراجعه کردیم و پرسشنامه‌های آنان ملاک محاسبه قرار گرفت، یعنی ۱۹۶۲ نفر) با نسبت مجله‌های موجود در هر گروه هماهنگی دارد و نوسان‌های محدودی که در چند

از مردان بیشتر است و در گروه فنی و مهندسی نسبت آنان از همه کمتر است (۱۲/۳٪) و پس از آن کشاورزی و منابع طبیعی قرار دارد (۲۱/۴٪). از نظر تعداد پاسخگویان گروه علوم انسانی در صدر است (۴۲/۸٪) و پس از آن با اختلافاتی قابل توجه به ترتیب گروه‌های پزشکی، فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و منابع طبیعی و هنر قرار دارند. در میان خوانندگان میانگین سنی برابر با ۲۶/۶۹ سال (با انحراف معیار ۶/۶۷۰) است و ارقام نما و میانه به ترتیب ۲۱ و ۲۲ می‌باشد و میدان تغییرات با توجه به سنین حداقل و اکثر (۱۸ و ۶۶ سال) برابر با ۴۸ است. ارقام مزبور حاکی از پراکندگی

- شرام معتقد است که تمایل به انتخاب پیام‌های ارتباطی تابعی از پاداش‌های مورد انتظار آنی و آتی از یکسو و انرژی ضروری برای مطالعه و دستیابی به این منابع از سوی دیگر است.
- توجه خاص به موضوع جهانی شدن ارتباطات در دهه اخیر و پی‌گیری بحث‌ها در این زمینه بی‌تردید نوع نگاه به مجله‌های علمی را در آینده متحول خواهد کرد.

زیاد گروه از نظر سنی (به علت تمرکز گروه‌های دانشجو و هیأت علمی) است و با توجه به بالاتر بودن نسبت دانشجویان ارقام میانه و نما به مراتب کمتر از میانگین می‌باشد. میانگین سنی به دلایل مختلف در میان مردان بیش از زنان است (۲۵/۵۳ و ۲۳/۶۲) و آزمون تجزیه واریانس نیز تفاوت این دو میانگین را مورد تأیید قرار داده است ($F=39/472$ و $P=0/000$). تعداد کل مجله‌هایی که براساس تعریف مجله علمی (که در بالا به آن اشاره کردیم) و در نظر گرفتن جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت بالغ بر ۴۲۷ مورد بود، که بالاترین نسبت آن مربوط به گروه علوم انسانی و پایین‌ترین نسبت آن مربوط به

مورد وجود دارد به علت ماهیت نمونه‌گیری است (روش خوشه‌ای). نهایت این که نمونه نهایی مورد بررسی عبارت است از تعداد ۴۲۷ مورد مجله علمی (با توجه به تعریف و ملاک‌های عملی)، ۱۹۶۲ نفر گروه خواننده (شامل ۱۹۷ نفر عضو هیأت علمی، ۳۴۲ نفر دانشجو در مقاطع کارشناسی و ارشد و دکتری و ۱۴۲۳ نفر دانشجو در مقطع کارشناسی، جمعاً ۱۷۶۵ نفر دانشجو) که در ۴۸ گروه آموزشی توزیع شده‌اند. در مورد گروه خوانندگان، از کل تعداد ۱۹۲۶ نفر گروه مورد بررسی ما ۵۵/۸٪ (۱۰۹۴ نفر) مرد و بقیه زن بودند که نسبت زنان در گروه‌های علوم پایه، پزشکی و هنر

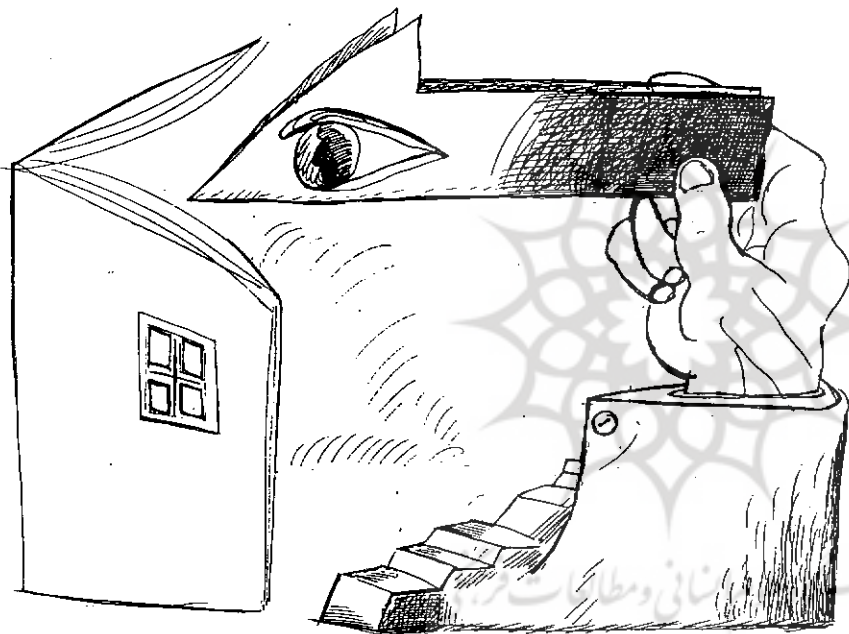
مجله‌های عمومی بود. مراتب دوم و سوم را از نظر تعداد به ترتیب مجله‌های مربوط به گروه‌های فنی و مهندسی و پزشکی دارند. با توجه به تعریف عملیاتی، مجله‌های عمومی از نظر این بررسی مجله‌هایی به حساب آمدند که به طور مشخص به هیچ‌یک از گروه‌های شش‌گانه مورد استفاده ما در طبقه‌بندی‌ها تعلق نداشتند و حوزه موضوعی کار آنها چند گروه را عملاً پوشش می‌داد. در همین زمینه باید اشاره کنیم که در هر یک از گروه‌های اصلی آموزشی نیز علاوه بر تقسیم‌بندی براساس رشته، یک گروه به عنوان عمومی در داخل هر کدام جای داده شد که در اینجا نیز معیار اصلی چند رشته‌ای بودن مجله بود.

با یک نگاه کلی به این نتیجه می‌رسیم که بالاترین نسبت مجله‌های علمی (۲۹/۵٪) متعلق به دانشگاه‌هاست و پس از آن وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار دارند (۲۶/۲٪). بخش خصوصی مرتبه سوم را دارد (۲۱/۸٪) و بالاخره مؤسسات نیمه دولتی، نهادها، انجمن‌ها و گروه‌ها قرار دارند (۱۲/۴٪ و ۱۰/۱٪). هرگاه در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر نقش دولت و بخش خصوصی را در دو مجموعه بررسی کنیم مشاهده می‌شود که دولت نقش اصلی را برعهده دارد و نقش بخش خصوصی (علی‌رغم توسعه آن در سال‌های اخیر) بسیار محدود است. هرگاه افراد و مؤسسات خصوصی را در کنار انجمن‌ها و گروه‌ها در نظر بگیریم (هرچند که دولت ممکن است به‌طور غیر مستقیم در انجمن‌ها و گروه‌ها نیز کمک یا نقش مادی یا معنوی داشته باشد) به نسبتی حدود ۲۲/۵٪ می‌رسیم که به عنوان سهم بخش خصوصی بسیار ناچیز است.

هرگاه تمامی انواع مجله‌ها را در رابطه با نوع وابستگی سازمانی آنها مورد توجه قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که هرچند نسبت مجله‌های علوم انسانی در اغلب بخش‌ها از همه بیشتر است، با وجود این

تفاوت‌های قابل توجهی نیز وجود دارد. مؤسسات نیمه دولتی و نهادها در حوزه علوم انسانی بسیار فعال هستند، به طوری که ۵/۵۸٪ از مجله‌های آنها وابسته به این حوزه است و از این نظر وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در مرتبه دوم قرار دارند (۵۳/۶٪). در گروه فنی و مهندسی، بخش خصوصی فعالیت بیشتری دارد، چرا که ۲۹٪ از مجله‌های این بخش به این رشته‌ها تعلق دارد. در گروه پزشکی نقش دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و نیز انجمن‌ها و گروه‌های تخصصی بیشتر است (به ترتیب ۲۷/۸٪ و ۲۱٪).

موردی برحسب ضرورت و یا مطالعه مستمر و وابسته به شرایط بسیار متنوع) و نیز بررسی مقدماتی انجام شده به عنوان آزمون تصمیم‌گرفتن آن را برحسب داوری شخصی از سطح مطالعه (از هیچ تا زیاد) مورد بررسی قرار دهیم، چرا که حداقل در سطح عدم مطالعه می‌تواند روشنگر مسأله مورد توجه ما باشد. جدول شماره یک نشان می‌دهد که بیش از ۱۴٪ از جامعه دانشگاهی هیچ توجهی به مطالعه مجله علمی ندارد و در مقابل آنها فقط ۶/۴٪ زیاد مطالعه می‌کنند. از سوی دیگر نسبت گروهی که هیچ یا کم مجله



مؤسسات نیمه دولتی و نهادها نیز نقش قابل ملاحظه‌ای در نشر مجله‌های هنری دارند (۱۳/۲٪ و از همه بیشتر). در گروه کشاورزی، نهادها و مؤسسات نیمه‌دولتی اساساً نقشی ندارند و بالعکس بخش خصوصی فعالیت بیشتری دارد (۱۳٪).

۴. میزان مطالعه

با وجود این که شاید بهترین وسیله کسب اطلاع از میزان مطالعه، بررسی آن برحسب تعداد ساعت در هفته یا حتی در طول ماه است، اما به دلیل ماهیت خاصی که مطالعه مجله‌های علمی دارد (مطالعه

می‌خوانند حدود ۵۰٪ یعنی نیمی از جامعه آماری است. به‌جاست در همین رابطه به گفته یکی از دانشجویان رشته زبان و ادبیات انگلیسی اشاره کنیم که می‌نویسد:

«هنگام پرکردن این پرسشنامه شرمنده شدم که تا به حال چقدر نسبت به مجله‌های علمی بی‌توجه بودم و از این که تا به حال یک مجله علمی (حتی در رشته خودم) را به‌طور کامل و دقیق مطالعه نکردم خجالت کشیدم.»

دربارۀ متغیرهای جمعیتی باید اشاره کنیم که زن و مرد در همه گروه‌هایی که از

نظر سطح مطالعه مطرح است وضع یکسانی ندارند. نسبت مطالعه زیاد در میان زنان کمتر از نصف این نسبت در میان مردان است و در مجموع می توان مطالعه کمتر زنان را نتیجه گرفت: آزمون آماری نیز نشان می دهد که رفتار زن و مرد در این مورد یکسان نیست ($P = 0/001$ و $X^2 = 15/43$).

با افزایش سن به طور کلی از نسبت عدم مطالعه مجله علمی کاسته می شود و از سوی دیگر بر نسبت مطالعه زیاد آن افزوده می شود. تفاوت سطح مطالعه در میان گروه های مختلف سنی سبب شده است که آزمون آماری وجود رابطه معنی داری را تأیید کند ($P = 0/000$ و $X^2 = 40/359$) و ضریب توافق پیوندی ضعیف اما محسوس را نشان دهد ($C = 0/145$). به طور متوسط میزان گرایش به مطالعه در گروه سنی ۳۰ ساله و بالاتر از همه بیشتر است.

تا اینجا، ما جامعه مورد مطالعه را - از نظر میزان مطالعه، علاقه به آن، بهره مندی و خرید و اشتراک یا امکان استفاده رایگان و از این گونه ضابطه ها - یک دست فرض می کردیم. در حالی که اگر کارکردهای اجتماعی - شغلی و حتی وضع سنی و سابقه آموزش دانشگاهی را در نظر بگیریم، با دو گروه سنی - شغلی متفاوت (دانشجو و عضو هیأت علمی) سروکار داریم، که باید انتظار داشت با هم تفاوت معنی داری از جهت مطالعه مجله های علمی داشته باشند. اگر سابقه آموزش دانشگاهی را هم به حساب بیاوریم، گروه سومی هم که ممکن است از این نظر تفاوت پیدا کنند، مشاهده می شود که دست کم چهار سال و بیشتر سابقه آموزش عالی دارند و آنها دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد و دکتری هستند.

میزان مطالعه در میان اعضاء هیأت علمی از گروه های دانشجویی به طور کلی بیشتر است، هر چند که هنوز $12/4\%$ از آنان هیچ مجله علمی مطالعه نمی کردند

فقط $13/4\%$ زیاد به مطالعه می پرداختند و این ارقام مسائل متعددی را مطرح می کند. در گروه های دانشجویی سطح مطالعه در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری از دوره های کارشناسی بیشتر است، اما نه به میزانی که می توان علی القاعده انتظار داشت. به روشنی می توان میزان مطالعه مجله های علمی دو گروه «هیچ» و «کم» را با سطح آموزشی و نقش آموزشی پاسخ دهندگان به خوبی مشاهده کرد، همان طور که شدت بستگی مثبت گروه های «تاحدودی» و «زیاد» هم چشمگیر است؛ و این خود طبیعی است،

معتمد است که: «از آنجایی که تا به حال در هیچ کدام از مجله های فارسی زبان مطلب درخور توجهی پیدا نکرده ام لذا از استفاده آنها دوری کرده و بیشتر از مقالات و مجله های لاتین استفاده کرده ام».

در گروه های مختلف آموزشی میزان مطالعه شرایط یکسانی ندارد، هر چند که الگوی کلی ضعف مطالعه است. در حالی که بالاترین نسبت مطالعه زیاد را به ترتیب در گروه های کشاورزی، هنر و پزشکی مشاهده می کنیم. بالاترین نسبت های علوم مطالعه را در دو گروه فنی و مهندسی و علوم پایه مشاهده می کنیم و گروه فنی و

■ با گسترش وسایل ارتباطی الکترونیک، اندیشه ها، تصاویر و صدای فرهنگ های مختلف به طور بالقوه در دسترس شبکه گسترده ای از افراد خواهد بود که پیام برای آنها ارسال نشده است.

■ هرگاه موضوع تولید، توزیع، نشر و مطالعه مجله های علمی را از جنبه صنعتی و در رابطه با خط تولید مورد توجه قرار دهیم، موضوع به شکل دیگری مطرح خواهد شد.

زیرا ماهیت آموزش دانشگاهی چنان است که با بالا رفتن مطالعه به طور عام و از جمله مطالعه مجله های علمی ملازمه دارد. در نتیجه هر اندازه دانشجویان در آموزش خود به پیش می روند، از بی علاقه گی و کم علاقه گی آنان کاسته می شود و بر مطالعه شان افزوده می شود و طبیعی است که نقطه بالا و پایین این توزیع، در میان اعضاء هیأت علمی قرار داشته باشد بیشتر دانشجویان علت عدم مطالعه را فقدان مطلب مناسب می دانند. یکی از دانشجویان رشته مهندسی شیمی در مقطع کارشناسی ارشد در این زمینه

مهندسی وضع بسیار شاخصی دارد ($19/4\%$ نسبت عدم مطالعه و $3/5\%$ مطالعه زیاد) البته می دانیم که سطح عدم رضایت نیز در این گروه بیشتر است. هرگاه نسبت کم مطالعه را نیز بر هیچ اضافه کنیم در گروه علوم انسانی این نسبت حدود 46% و در گروه فنی و مهندسی به نسبت $65/5\%$ می رسد که حاکی از اختلاف قابل توجه رفتار در سطح گروه های مختلف آموزشی است ($X^2 = 53/574/p = 0/000$).

آنچه که در بررسی اولیه دیده می شود این است که گروه «هیچ» از حداقل خود تا

حداکثر، نزدیک دو برابر ونیم تغییر می‌کند (۷/۸٪ رشته هنرها در برابر ۱۹/۴٪ فنی - مهندسی)؛ و در مجموع، بیش از ۱۵٪ این نمونه دانشگاهی، مجله‌های علمی موجود را «هیچ» نمی‌خوانند. دوم این که «نمای ی توزیع ما، در حالی که در رشته‌های علوم انسانی، پزشکی، کشاورزی و هنرها در گروه «تاحدودی» قرار دارد، در رشته‌های فنی - مهندسی علوم پایه، در گروه «کم» است. سوم این که، در این جا هم حجم عمده پاسخ‌دهندگان، در دو گروه «کم» و «تاحدودی» قرار دارند (در علوم انسانی ۷۹/۶٪، در علوم پزشکی ۷۷/۹٪، در فنی - مهندسی ۷۷/۱٪، در کشاورزی ۷۵/۰٪، در علوم پایه ۸۱/۷٪ و هنرها ۸۲/۵٪).

چهارم این که، گروه «زیاد» مطالعه مجله‌ها از حداقل ۳/۱٪ علوم پایه و ۳/۵٪ فنی - مهندسی که بگذریم تنها در گروه کشاورزی است که از ۱۰٪ پاسخگویان رشته خود فراتر می‌رود (۱۰/۹٪)، و بقیه رشته‌ها در حدود ۷،۶ و ۹٪ هستند). با این حال به علت تفاوت‌های موجود میان رشته‌ها، منحنی رشته‌های شش گانه این جدول چشمگیر خواهد بود. به طور متوسط گرایش به مطالعه در گروه هنر از همه بیشتر و در گروه فنی و مهندسی از همه کمتر است. گاه شاهد توجه بیشتر به مطالعه مجله‌های غیرتخصصی در میان افراد هستیم. یک دانشجوی رشته شیمی در مقطع کارشناسی می‌گوید: «متأسفانه من به عنوان یک دانشجوی مهندسی اطلاعات اندکی در رابطه با مجله‌های علمی دارم که البته مختص من نیست بلکه بسیاری از دوستانم نیز چنین هستند. فکر می‌کنم مطالعه مجله‌های علمی خیلی با ما بیگانه است. در صورتی که شخصاً خیلی از مجله‌های هفتگی، اجتماعی و ورزشی را مطالعه می‌کنم، چون می‌دانم به دنبال چه مطلبی باید در آنها باشم. ولی در مورد مجله‌های علمی اصلاً این‌طور نیست، که باعث تأسف بسیار است». از

سوی دیگر در پاسخ به این درخواست که تعداد مجله‌های مربوط به رشته خودتان را ذکر کنید، دانشجویی از رشته عمران در مقطع کارشناسی (دانشگاه صنعتی شریف) می‌نویسد: «کاش مجله‌های غیرمربوط به رشته را هم می‌پرسیدید، چون من اصلاً مطالب مجله‌های مربوط به رشته‌ام را مطالعه نمی‌کنم».

گروهی از مجله‌های علمی ما، به ویژه مجله‌هایی که در سطح دانشگاه‌ها منتشر می‌شوند (البته برخی از آنها) فاقد خواننده

در همین زمینه یکی از استادیاران رشته برق نیز می‌گوید: «متأسفانه اکثر اساتید (از جمله بنده) به دلیل مشغله زیاد فرصت مطالعه کافی مجله‌های علمی را ندارند. تا این مشکل حل نشود وضعیت مجله‌ها نیز بهبود پیدا نمی‌کند».

۵. سطح رضایت

دیدیم که با همه تغییر چگونگی توجه به مجله‌ها برحسب موفقیت، گروه‌های سنی و جنسیت افراد، توجه به خواندن

جدول شماره ۱. میزان مطالعه مجله‌های علمی برحسب متغیرهای مختلف (%)

متغیر/میزان	میزان مطالعه مجله‌های علمی برحسب متغیرهای مختلف (%)				
	زیاد	تاحدی	کم	هیچ	X ²
جنسیت	مرد	۴۳/۱	۳۴/۲	۱۴/۴	۱۵/۴۳
	زن	۴۴/۱	۳۷/۰	۱۴/۹	P=۰/۰۰۱ C=۰/۰۹۰
رشته	۱۸-۲۱	۳۷/۰	۴۱/۵	۱۷/۲	۴۰/۲۵۹
	۲۲-۲۴	۴۶/۶	۳۳/۸	۱۲/۶	P=۰/۰۰۰ C=۰/۱۴۵
مقطع تحصیلی	۲۵-۲۹	۴۵/۶	۳۳/۲	۱۲/۴	۲۵/۴۷
	۳۰+	۵۰/۴	۲۸/۴	۱۱/۷	P=۰/۰۰۰ C=۰/۱۱۵
گروه آموزشی	دانشجوی کارشناسی	۴۲/۵	۳۶/۸	۱۵/۴	۵۳/۵۷۴
	دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری	۴۵/۶	۳۴/۵	۱۲/۶	P=۰/۰۰۰ C=۰/۱۶۶
	عضو هیأت علمی	۴۷/۳	۲۶/۹	۱۲/۴	۶/۳
	علوم انسانی	۴۷/۵	۳۲/۱	۱۴/۰	۸/۱
	پزشکی	۴۵/۰	۳۲/۹	۱۴/۰	۳/۵
گروه پژوهشی	فنی و مهندسی	۳۱/۰	۴۶/۱	۱۹/۴	۱۰/۹
	کشاورزی و ...	۳۹/۱	۳۵/۹	۱۴/۱	۳/۱
	علوم پایه	۴۰/۶	۴۱/۱	۱۵/۱	۹/۷
هنر	۵۲/۴	۳۰/۱	۷/۸	۶/۴	
کل	۴۳/۵	۳۵/۵	۱۴/۶		

این مجله‌ها در جامعه دانشگاهی ما بسیار پایین است و موجب شگفتی. چرا جامعه مورد مطالعه به مجله‌ها کمتر توجه می‌کند؟ در اینجا احتمالاً این پرسش پیش می‌آید که آیا دلیل مطالعه نکردن یا کم‌توجهی به مجله‌های علمی، نبود یا کمبود مطالب جالب توجه در آنها است که نیازهای عمومی و علمی جامعه نمونه ما را برآورده نمی‌سازد، یا باید به دنبال علت دیگری بگردیم. شاید بتوان گفت که اگر چنین درصد انبوهی از جامعه نمونه،

به تعداد کافی است و گاه این تصور را پیش می‌آورد که بعضی از این مجله‌ها فقط «نویسنده» دارند و نه «خواننده»، یا هر دو. این نکته را یکی از مدیران مجله‌های علمی وابسته به یکی از دانشگاه‌های کشور این‌گونه مطرح کرده است: «باید در نظر داشت که هر مجله خود یک رسانه است و به خواننده نیاز دارد. اما زمانی که فقط نگارندگان مقاله خواننده باشند، در نتیجه به دلیل تصنعی بودن کار، آن اعتبار لازم به مقالات چاپ شده داده نمی‌شود».

نسبت به این رسانه بی توجه بوده‌اند، به دلیل بی‌اطلاعی آنان بوده است. زیرا تا فردی مطلبی را نخواند، یا درباره‌اش چیزی نشنود، طبیعی است که عنایتی هم نسبت به آن پیدا نخواهد کرد. اما جامعه نمونه ما یک جامعه دانشگاهی است که به هرحال محتوای غالب بحث‌های آن علمی است. حال برای این‌که پاسخ دقیق‌تری برای پرسش بالا پیدا کنیم، با ژرف‌نگری بیشتر جست‌وجوها را دنبال می‌کنیم و به مقایسه دیگری می‌پردازیم. جدول شماره دو پاسخ‌های جامعه مورد مطالعه درباره سطح رضایت از مجله‌های علمی طبقه‌بندی شده است. این پاسخ‌ها را بررسی می‌کنیم. با در نظر گرفتن این که نسبت پاسخ‌نندگان در هر دو جدول قابل ملاحظه است (۱۱/۴٪) و نشان‌دهنده آن است که برای ۲۲۶ نفر پاسخ دادن به این پرسش دشوار بوده، پرسش فرضی ما درباره احتمال بی‌اطلاع ماندن جامعه و در نتیجه نخواندن این دو گروه مجله، با انجام این مقایسه، تا اندازه‌ای زیادی اعتبار خود را از دست می‌دهد. جدول شماره دو گویای این واقعیت است که ۱۷/۲٪ و ۳۸/۸٪ از گروه مورد بررسی ما «هیچ» و یا «کمی» از مجله‌های تخصصی رشته خود رضایت دارند و فقط ۴٪ رضایت «زیاد» دارند و البته نسبت ۴۰٪ کسانی که در گروه «تاحدودی» قرار دارند نیز قابل توجه است. سطح رضایت مردان از زنان بیشتر است و تفاوت نظر آنها از لحاظ آماری معنی‌دار است.

آزمون آماری رابطه‌ای را میان سن و سطح رضایت نشان نمی‌دهد، هرچند که در برخی گروه‌ها نکات قابل توجهی نیز به چشم می‌خورد. شاید بتوان گفت که سطح عدم رضایت مطلق که بیان‌کننده نوعی اعتراض است در گروه‌های جوان‌تر شدید است و حال آن‌که در گروه‌های سنی بالاتر قضاوت‌ها متعادل‌تر می‌شود. مثلاً در حالی که در گروه سنی ۳۰ ساله و بالاتر حدود ۸۵٪ افراد «کم» و یا تا «حدودی»

اعلام رضایت کرده‌اند این نسبت در گروه سنی ۱۸-۲۱ ساله برابر با ۷۶٪ است. به این جهت است که نسبت عدم رضایت کامل در گروه سنی ۱۸-۲۱ سال برابر با ۲۰٪ است (در مقابل ۱۱٪ در گروه سنی ۳۰ ساله و بالاتر). متوسط سطح رضایت به گونه‌ای کم‌وبیش متوازن همراه با سن افزایش می‌یابد.

جست‌وجوی خود را در این باره پی می‌گیریم که آیا بالا رفتن سطح و نقش آموزشی پاسخ‌دهندگان در نمونه مورد مطالعه، در چگونگی رضایت آنان از مطالعه مجله‌های علمی اثری داشته یا نه. این بار پاسخ‌های طبقه‌بندی شده در جدول شماره دو را بر حسب سطح نقش آموزشی پاسخگویان بررسی می‌کنیم.

دیگرسخن در حالی که گروه ناراضیان هیأت علمی از همه دانشجویان نسبت پایین‌تری دارد، گروه «زیاد» راضیان آن گروه هم پایین است. (۲/۳٪) بالاترین نسبت عدم رضایت در گروه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری (که عملاً بیشتر از دانشجویان دوره کارشناسی با مجله‌های علمی سرکار دارند) ابراز شده است. متوسط سطح رضایت در میان اعضاء هیأت علمی از همه بیشتر و در گروه دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری از همه کمتر است.

اینک در دنباله جست‌وجوهای خود به کیفیت رضایت از مجله‌های علمی می‌پردازیم و این کیفیت را به کمک نمایش عددی، ارائه می‌دهیم. آنچه در نگاه

■ در ایران مجله‌های علمی براساس طبقه‌بندی وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری، به انواع علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی تقسیم می‌شوند

■ مجله‌های علمی کشور ما از نظر تولید، نشر، توزیع، دسترسی، مطالعه و بهره‌رسانی علمی با مشکلات متعددی مواجه هستند که باید مورد بررسی قرار گیرد تا بتواند مبنایی برای برطرف شدن مشکلات قرار گیرد و اطلاعات ضروری در برنامه‌ریزی فراهم آید.

چنان‌که دیده می‌شود، در بررسی دو گروه «هیچ» «کم» و دو گروه «تاحدودی» و «زیاد» به‌طور جداگانه نظمی در توزیع دیده نمی‌شود. از این‌رو در تحلیل این جدول، دو گروه «کم» و تا «حدودی» (که چه از نظر کمی، نسبت بزرگ‌تر جامعه مورد مطالعه را در برمی‌گیرند و چه معرف روند غالب در صفت مورد بررسی هستند) را یا هم در نظر می‌گیریم. در نتیجه دو گروه «هیچ» و «زیاد» در برابر هم و در دو طرف «کوهان» منحنی قرار می‌گیرند.

آنچه در مشاهده نخستین به دست می‌آید روند نسبی روبه کاهش دو گروه «هیچ» و «زیاد» است و روند فزاینده جمع دو گروه «کم» و «تاحدودی» که در جمع نتیجه‌گیری‌های پیشین را تأیید می‌کند. به

نخست، به چشم می‌خورد پایین بودن بسیار ناچیز ستون رضایت «زیاد» است (با میانگین ۴٪) در برابر آن ستون رضایت «هیچ» قرار دارد، که بیش از چهار برابر رضایت «زیاد» است (۱۷٪). به عنوان نتیجه می‌توان گفت که در پاسخ پرسش آغازین این قسمت - که آیا میزان مطالعه این مجله‌ها در گروه‌های مختلف آموزشی با هم فرق معنی‌دار، دارد یا نه؟ - نمی‌توان گفت که فرضیه معنی‌دار بودن تفاوت را می‌توانیم رد کنیم) هرچند که دو ستون رضایت «کم» و «تاحدودی» با ترتیب ۳۸/۸٪ و ۴۰٪ حجم عمده این توزیع را به خود اختصاص داده‌اند. گفتنی است که «نما»های این توزیع اگر علوم پزشکی را که نمای آن به نسبت‌های برابر در ستون

جدول شماره ۲. سطح رضایت از مجله‌های علمی برحسب متغیرهای مختلف (%)

متغیر / سطح رضایت	هیچ	کم	تاحدی	زیاد	X ²
جنسیت	مرد	۱۸/۹	۳۹/۱	۳۷/۸	۷/۳۲
	زن	۱۵/۰	۳۸/۴	۴۳/۰	۳/۳
رتبه علمی	۱۸-۲۱	۲۰/۰	۳۷/۵	۳۸/۶	۳/۸
	۲۲-۲۴	۱۷/۲	۴۰/۰	۳۸/۱	۴/۷
گروه آموزشی	۲۵-۲۹	۱۵/۹	۳۹/۰	۴۱/۵	۳/۶
	۳۰+	۱۱/۱	۴۱/۲	۴۳/۹	۳/۸
موقعیت دانشگاهی	دانشجوی کارشناسی	۱۷/۰	۳۷/۹	۴۰/۳	۴/۸
	دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری	۱۹/۴	۴۲/۲	۳۶/۵	۱/۹
	عضو هیأت علمی	۱۴/۷	۳۹/۰	۴۴/۱	۲/۳
	علوم انسانی	۱۳/۱	۳۸/۱	۴۲/۴	۶/۴
گروه آموزشی	پزشکی	۱۸/۲	۳۹/۶	۳۹/۶	۲/۶
	فنی و مهندسی	۲۷/۱	۳۸/۷	۳۳/۱	۱/۱
	کشاورزی و ...	۱۸/۰	۳۲/۸	۴۵/۱	۴/۱
	علوم پایه	۱۴/۷	۴۱/۸	۴۱/۲	۲/۴
	هنر	۲۱/۴	۴۲/۹	۳۳/۷	۲/۰
کل	۱۷/۲	۳۸/۸	۴۰/۰	۴/۰	

رضایت «کم» و «تاحدودی» تقسیم شده است، کنار بگذاریم - سه مورد، بیشتر در ستون رضایت «کم» قرار دارد (۳۸/۷٪ در فنی و مهندسی ۴/۱۸٪ علوم پایه و ۴۲/۹٪ در هنرها) و تنها دو مورد رضایت «تاساحدودی» قرار می‌گیرد. (۴۲/۴٪ در علوم انسانی و ۴۵/۱٪ در علوم کشاورزی).

در پایان بحث رضایت تلاش کردیم با ساختن شاخص رضایت عمومی تصویری دقیق‌تر را از این موضوع ارائه دهیم، این شاخص از ترکیب دو جزء رضایت از مجله‌های مرتبط و غیرمرتبط با تخصص فرد است و در حقیقت نمودار رضایت خواننده از مجله‌های علمی کشور است. میانگین رضایت عمومی ۴/۶ است و ارقام میانه و نما هر دو برابر با ۵ است (از حداقل ۲ و حداکثر ۸) و در مجموع حاکی از عدم رضایت نسبی است. کسانی

که در ردیف نمرات ۷ و ۸ (بالاترین سطح رضایت) هستند نسبتی برابر با ۵٪ دارند و در بعد مقابل ۱۹/۷٪ افراد نمرات ۲ و ۳ (حداقل) داده‌اند. در میان زنان سطح رضایت اندکی بالاتر است (P = ۰/۰۰۲) و (F = ۹/۵) و حال آن‌که تفاوت نظر چندانی میان افرادی که در موقعیت‌های متفاوت دانشگاهی قرار دارند مشاهده نمی‌کنیم (هیأت علمی و دانشجویان). علی‌رغم این تشابه، در گروه‌های مختلف آموزشی وحدت نظر وجود ندارد و آزمون تجزیه واریانس اختلاف میانگین‌ها را ثابت می‌کند (P = ۰/۰۰۰ و F = ۱۰/۴۴). در گروه فنی و مهندسی که دیدیم کمترین میزان مطالعه وجود داشت کمترین میزان رضایت نیز مطرح است (۴/۱) و در مقابل بالاترین میزان رضایت عمومی را در گروه علوم انسانی مشاهده می‌کنیم. (۴/۸).

۶. سطح بهره‌مندی

حال با دنبال کردن جست‌وجوی خود درباره این‌که چرا یک نمونه تصادفی نزدیک به ۲۰۰۰ نفری جامعه دانشگاهی

کشور نسبت به یک رسانه همگانی نوشتاری مانند مجله‌های علمی تا این اندازه کم علاقه است باز به یک مقایسه دیگر می‌پردازیم. از جامعه مورد مطالعه درباره میزان بهره‌مندی از مجله‌های علمی پرسش شده و پاسخ‌های آنان در جدول شماره سه طبقه‌بندی شده است. این جدول نشان می‌دهد که ۱۷/۴٪ بهره‌مندی خود را «هیچ» اعلام کرده‌اند در مقابل فقط حدود ۴٪ آن را «زیاد»

جدول شماره ۳. سطح بهره‌مندی از مجله‌های علمی برحسب متغیرهای مختلف (%)

متغیر / سطح رضایت	هیچ	کم	تاحدی	زیاد	X ²
جنسیت	مرد	۱۸/۷	۴۱/۶	۳۵/۶	۴/۱
	زن	۱۵/۶	۳۹/۹	۴۰/۸	۳/۷
رتبه علمی	۱۸-۲۱	۲۱/۰	۴۰/۴	۳۴/۶	۴/۰
	۲۲-۲۴	۱۵/۷	۴۳/۰	۳۷/۵	۳/۸
گروه آموزشی	۲۵-۲۹	۱۵/۶	۳۷/۷	۴۳/۱	۳/۶
	۳۰+	۱۳/۱	۴۴/۰	۳۸/۲	۴/۶
موقعیت دانشگاهی	دانشجوی کارشناسی	۱۷/۲	۴۱/۱	۳۷/۱	۴/۶
	دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری	۱۹/۷	۴۰/۱	۳۸/۵	۱/۶
	عضو هیأت علمی	۱۴/۷	۴۰/۷	۴۱/۲	۳/۴
	علوم انسانی	۱۴/۰	۳۸/۹	۴۱/۹	۵/۳
گروه آموزشی	پزشکی	۱۶/۹	۳۷/۳	۴۰/۵	۵/۲
	فنی و مهندسی	۲۸/۸	۴۶/۲	۲۳/۵	۱/۵
	کشاورزی و ...	۱۸/۳	۳۶/۷	۴۱/۷	۳/۳
	علوم پایه	۱۵/۵	۵۰/۶	۳۲/۱	۱/۸
	هنر	۱۶/۲	۴۲/۴	۴۱/۴	—
کل	۱۷/۴	۴۰/۹	۳۷/۸	۳/۹	

که «نما»ی توزیع در زمینه بهره‌مندی از مجله‌های علمی در میان دانشجویان در گروه «کم» قرار دارد و در هیأت‌های علمی متوسط سطح بهره‌مندی ابراز شده از بقیه بیشتر است.

هر چند که در رابطه با موقعیت دانشگاهی سطح بهره‌مندی تفاوت معنی‌دار آماری ندارد، اما در میان گروه‌های آموزشی، یعنی آنجا که رشته دانشگاهی مطرح می‌شود میزان بهره‌مندی اظهار شده از سوی پاسخگویان تفاوت دارد ($P = 0/000$ و $X^2 = 68/76$).

پایین‌ترین سطح بهره‌مندی بدون تردید از سوی گروه فنی و مهندسی (۲۸/۸٪ عدم بهره‌مندی و ۱/۵٪ بهره‌مندی زیاد) و در مقابل بالاترین سطح بهره‌مندی از سوی گروه علوم انسانی اعلام شده است، که صرف‌نظر از تأثیر عوامل متعددی که در این حوزه مطرح است باید به موقعیت مجله‌ها در این گروه‌ها و امکان نوآوری در سطح داخلی در این دو گروه نیز توجه داشت. در حالی که در گروه علوم پایه‌نما در بهره‌مندی «کم» قرار دارد (۵۰/۶٪ این شاخص در گروه‌های پزشکی، علوم انسانی و کشاورزی در دسته بهره‌مندی «تاحدودی» دیده می‌شود. متوسط سطح بهره‌مندی در گروه فنی و مهندسی نیز در آستانه «کم» است.

در پایان این بحث شایسته است از شاخص بهره‌مندی عمومی نیز استفاده کنیم. این شاخص مرکب از دو موضوع بهره‌مندی از مجله‌های مرتبط و غیرمرتبط با تخصص پاسخگویان است و از حداکثر و تا حداکثر هشت در نوسان است. کسانی که در شاخص دو قرار دارند ۷/۵٪ و آنها که در شاخص هشت قرار دارند به ۰/۵٪ می‌رسند. از آنجا که عده قابل ملاحظه‌ای اساساً هیچ مطالعه نمی‌کردند طبیعی است که در ردیف بهره‌مندان نیز نمی‌توانند قرار بگیرند و در حکم بدون پاسخ به حساب آمدند (۲۱/۸٪). رقم میانگین شاخص ۴/۵ و ارقام میانه و نما به ترتیب چهار و

■ **پیر آلبر پژوهشگر مسائل مطبوعاتی معتقد است که مجله علمی Revue به مفهوم اعم نشریه‌ای ماهانه یا سه‌ماهه است که معمولاً در قطع کتاب بوده و عکس و تصویر در آن نقش فرعی دارد، دارای مقالات تئوریک، معرفی و نقد کتاب و دارای سطح بالای علمی است.**

در حالی که در گروه سنی ۱۸-۲۱ ساله نسبتی برابر با ۲۱٪ بهره‌مندی خود را «هیچ» اعلام کرده‌اند این نسبت در گروه ۳۰ ساله و بیشتر حدود ۱۳٪ است. البته پیش از این مشاهده کردیم که سطح عدم رضایت نیز در میان جوانان بیشتر بود. در گروه‌های سنی بالاتر گرایش به حالات میانی (کم و تا حدی) بیشتر است. آیا بالا رفتن میزان آموزش عالی و نقش آموزشی در آن، در بهره‌مندی از مجله‌های تخصصی و غیرتخصصی اثری دارد یا نه؟ جدول شماره سه را که پاسخ‌های این پرسش را طبقه‌بندی کرده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم. آنچه به چشم می‌خورد (اگر یکنواخت نبودن روند «هیچ» و «زیاد» را در نظر نگیریم) این است

دانسته‌اند و نما در گروه رضایت «کم» قرار دارد. بی‌گمان این موضوع می‌تواند تا حدودی توجه‌کننده مسائلی باشد که در بخش‌های مطالعه و رضایت به آن پرداختیم. هر چند که آزمون آماری حاکی از فقدان رابطه میان دو متغیر جنس پاسخگویان و سطح بهره‌مندی ابراز شده از سوی آنان در رابطه با مجله‌های علمی است، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که متوسط سطح بهره‌مندی ابراز شده زنان تا حدودی بیشتر از مردان است (نسبت عدم بهره‌مندی در میان آنان کمتر است و در مقابل نسبت «تاحدودی» بیشتر است). با نگاهی به عامل سن به این نکته پی می‌بریم که اظهار عدم بهره‌مندی مطلق در گروه جوان از دیگر گروه‌ها بیشتر است.

■ **مجله‌های علمی در گروه مطبوعات ادواری قرار می‌گیرند و مطبوعات ادواری به انواع گوناگون دیگری مانند مجله‌های اطلاعاتی، اقتصادی و مالی، ورزشی، زنان، جوانان، نوجوانان، تفریحات، حرفه‌ای، فنی، ادبیات، سینما و بالاخره انواع هنرها تقسیم می‌شوند.**

پنج است. میزان بهره‌مندی عمومی زنان از مردان اندکی بیشتر است ($P = 0/000$ و $F = 11/02$) اما آنها که در موقعیت‌های متفاوت دانشگاهی قرار دارند تفاوت عقیده معنی‌داری ندارند. در رابطه با گروه‌های آموزشی باید اشاره کنیم بهره‌مندی عمومی اظهارشده در گروه فنی و مهندسی از همه کمتر ($3/9$) و در گروه‌های هنر، پزشکی و علوم انسانی

می‌شود که به هر سه سؤال ما دربارهٔ موارد فوق پاسخ داده بودند. جمع‌مقادیری که به عنوان وزن به هر سؤال داده شده بود از یک الی چهار (شامل طیف‌های: هیچ، کمی، تاحدی، زیاد) بود و براین اساس مقادیر حاصله در این شاخص نیز برای هر نفر بین ۳ الی ۱۲ در نوسان بود. میانگین این شاخص در گروه مورد بررسی، برابر با $7/1$ بود که زن و مرد عملاً تفاوتی از این

آمارای معنی‌داری مطرح است. این شاخص در گروه فنی و مهندسی با اختلافی قابل ملاحظه از همه کمتر ($6/3$) و در گروه علوم انسانی از همه بیشتر ($7/3$) است. گروه‌های کشاورزی، پزشکی، هنر و علوم پایه (از $7/2$ الی $6/9$) به ترتیب در مراتب بعد قرار دارند. بدیهی است پایین‌تر یا بالاتر بودن شاخص به معنی مطالعه، رضایت و بهره‌مندی کمتر یا بیشتر است. در مجموع به نظر می‌رسد که از میان متغیرهای مورد توجه ما در این بررسی شاید رشته تخصصی افراد و به عبارت دقیق‌تر گروه آموزشی که به آن وابستگی دارند، تعیین‌کننده‌ترین عامل در قضاوت آنها دربارهٔ مجله‌های علمی کشور باشد، واقعیتی که انعکاس دهندهٔ تفاوت شرایط ما از آن نظر در رشته‌های مختلف است.

■ براساس تعریف «فرهنگ ارتباطات» مجلهٔ علمی، مجله‌ای است که معمولاً کم تصویر است و حاوی مقالات تحلیلی، گردآوری، معرفی و گزارش آثار علمی و ادبی و برخوردار از سطح علمی نسبتاً بالاست.

■ در فهرست نشریات علمی معمولاً مجله‌هایی قرار می‌گیرد که مقاله‌های آنها اکثراً دارای نام نویسنده است و این رویه‌ای است که در مجله‌های علمی متداول است، چرا که موضوع با امر مالکیت علمی در رابطه قرار می‌گیرد.

۸. نتیجه و بحث
با توجه به این‌که مجله‌های علمی و واقعیتی جدا از شرایط علمی کشور و گروه‌های مختلف مرتبط با آن اعم از متخصصین، کارشناسان، استادان، پژوهشگران و دانشجویان نیست، اگر نخواهیم مجله‌های علمی را محصول فرایند اقدامات علمی کشور بدانیم، حداقل باید آن را منظر پراهمیت از این دیدگاه بدانیم و مسائل مطرح در این حوزه را نیز با بقیه مسائل اختصاصی‌تر و بلکه عام‌تر و فراعلمی‌تر مرتبط بدانیم. مطالعهٔ ما در مجموع نشان می‌دهد که حجم نسبتاً قابل توجهی از مطالبی که به عنوان مجله علمی در کشور تولید می‌شود نه خواننده چندانی دارد، نه رضایت زیادی از آن وجود دارد و بالاخره نه اعتقاد راسخی به بهره‌مندی عمیق از آن وجود دارد. نمونه‌ای از جامعه دانشگاهی که مورد بررسی قرار دادیم، چندان علاقه‌ای به مجله‌های علمی و حتی مجله‌های غیرتخصصی نشان نداده است و این با توجه به موقعیت و نقش آنان در ساختار

نظر نداشتند (با میانگین‌های $7/1$ و 7 و $P = 0/74$ و $F = 1/84$). مقدار شاخص نزد اعضاء هیأت علمی اندکی از بقیه بالاتر بود ($7/3$) بی‌آن‌که تفاوت آن با بقیهٔ گروه‌ها (دانشجویان) از نظر آماری معنی‌دار باشد می‌توانیم یادآور شویم که از نظر این شاخص افراد وابسته به گروه‌های مختلف آموزشی وضع یکسانی ندارند ($P = 0/000$ و $F = 12/15$) و تفاوت

تشابه عقیده نسبی وجود دارد و از همه بالاتر است. ($4/7$).

۷. شاخص موقعیت کلی مجله‌ها
شاخصی را که تحت‌عنوان موقعیت کلی مجله‌ها نام نهاده‌ایم، براساس سه موضوع مورد اشاره در بالا یعنی مطالعه، رضایت و بهره‌مندی ساخته شده است. بنابراین گروهی از پاسخگویان را شامل

علمی حال و آینده کشور شگفتی ساز است بی تردید اگر هزینه اکثر این مجله‌ها از بودجه عمومی و یا بودجه‌های وابسته به آن (از طریق مؤسسات غیردولتی) تأمین نمی‌شود، از مدت‌ها قبل تعطیل می‌شدند، کما این که در مواردی نیز که علل دیگری هم دخالت داشته، این چنین شده است. میزان مطالعه زنان از مردان اندکی کمتر است، هرچند که در مقابل سطوح رضایت و بهره‌مندی که از سوی آنان ابراز

مختلف آموزشی است. موقعیت کلی مجله‌ها در گروه فنی و مهندسی از همه پایین‌تر ارزیابی شده است و در گروه‌های علوم انسانی و کشاورزی از همه بالاتر. البته این استنتاج پیش از آن‌که به معنی داوری در مورد این مجله‌ها باشد به معنی یک اطلاعیه برای بررسی بیشتر است و شاید دقیق‌تر آن باشد که ما تفاوت دیدگاه‌ها را نتیجه بگیریم. عوامل و شرایط گوناگونی مطرح هستند که در هر رشته

(درگیری بیشتر با درس و کلاس و تدریس صرف) و... این سؤالات در حقیقت نکاتی هستند که در بررسی ما به گونه‌ای مطرح می‌شوند و البته یافتن پاسخی برای آنها مطالعاتی فراتر از عرصه‌ای که ما به آن پرداختیم می‌طلبد. □

* این بررسی با حمایت مالی مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) به انجام رسیده است و در به ثمر رسیدن آن گروهی از پژوهشگران مشارکت داشته‌اند که برخی از آنان عبارتند از: دکتر بیژن زارع، پرویز صالحی، دکتر خسرو اسلامی، دکتر پروین محسنی، دکتر ابراهیم فیوضات و دکتر عباس احمدی. آگاهی از سایر جنبه‌های مربوط به مجله‌های علمی با مراجعه به گزارش تفصیلی امکان‌پذیر است. (جدول شماره ۱)

■ با یک نگاه کلی به این نتیجه می‌رسیم که بالاترین نسبت مجله‌های علمی (۲۹/۵٪) متعلق به دانشگاه‌هاست و پس از آن وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی قرار دارند (۲۶/۲٪).

■ در گروه‌های دانشجویی سطح مطالعه در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری از دوره‌های کارشناسی بیشتر است، اما نه به میزانی که می‌توان علی‌القاعده انتظار داشت.

■ گروهی از مجله‌های علمی ما، به ویژه مجله‌هایی که در سطح دانشگاه‌ها منتشر می‌شوند (البته برخی از آنها) فاقد خواننده به تعداد کافی هستند.

شده است از مردان اندکی بیشتر است. میزان مطالعه، رضایت و به‌طورکلی بهره‌مندی همگام با افزایش سن فزونی می‌گیرد. هرچند که در هر دو جنس، سن نقش همسانی ایفا نمی‌کند. معترض‌ترین افراد نسبت به وضع مجله‌های علمی کشور جوان‌ترها هستند که هم کمتر مطالعه می‌کنند و هم رضایت و بهره‌مندی کمتری اعلام کرده‌اند و گروه هیأت علمی نگرشی متعادل‌تر از بقیه (دانشجویان) در قبال مجله‌های علمی کشور دارد. بدیهی است از متخصص‌ترین یافته‌های این بررسی تفاوت شرایط مجله‌ها، حداقل از نظر نگرش افراد نسبت به آنها در گروه‌های

ایفای نقش می‌کنند (موقعیت دانشگاه‌ها در هر رشته، موقعیت رشته از نظر پیوند با تکنولوژی و وابستگی‌های علمی و تجهیزاتی، موقعیت تاریخی رشته‌ها در کشور، تفاوت حمایت‌های دولتی، روابط بین‌المللی و...) می‌دانیم که در اینجا پرسش‌های متعددی مطرح است. آیا انتظارات است بیش از امکانات است؟ آیا از امکانات در مسیر متناسب استفاده نمی‌شود؟ آیا انگیزه کافی جهت تولید علمی و در نتیجه خلاقیت وجود ندارد، آیا افراد و به‌طورکلی آنهایی که به‌طور بالقوه در محور فعالیت علمی قرار دارند عنایت کافی به نشریات علمی ندارند

منابع:

۱. محسنی، منوچهر. بررسی ویژگی‌ها و مسائل تولید، نشر و مطالعه مجله‌های علمی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۷۸.
۲. محسین‌زاد، مهدی (و) همکاران. فهرستگان ارتباطات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، جلد اول، ۱۳۷۲.
۳. ونیدال، سون و... کاربرد نظریه‌های ارتباطات. ترجمه دکتر علیرضا دهقان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۷۶.
4. Croteau, D. et al. Media/Society. London: Pine Forge Press. 1997.
5. Richardson, J.V. et al. "Scholarly Journal Decision Making: A Graphic Representation". The library Quarterly. Vol. 68. Jan. 1998, No. 1. P.P. 5-8.
۶. سلطانی، پوری و... اصطلاحنامه کتابداری، فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی. تهران: کتابخانه ملی ایران. چاپ دوم، ۱۳۶۵.
7. Albert, p. La Presse Francaise. Paris: La Documentation Francaise. 1990.
8. Allbert, p. Lexique de la Presse écrite. Paris: Dalloz, 1989.
9. Dictionnaire Encyclopedique Quillet. Paris: Quillet, 1987.
10. Truxillo et al. J.P. Dictionnaire de la communication. Paris: Armand Colin, 1991.
11. Unesco. World List of Social Science Periodicals. Paris: Unesco. 1976.
12. Tristani Potteax, F. Les Journalistes scientifiques, Paris: Economica, 1997.